



Semiotic Study of Non-Verbal Communicative Elements in the Novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi

Sakineh Azadi¹ | Alireza Shohani² | Ayat Shokati³

1. Ph.D. student, Persian language and literature, Ilam state University, Ilam, Iran. E-mail: s.azadi275@gmail.com
2. Associate professor of Department of Persian language and literature, Ilam state University, Ilam, Iran. E-mail: a.shohani@ilam.ac.ir
3. Corresponding Author, Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran. E-mail: shokati81@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 November 2021

Received in revised form:
24 February 2022

Accepted: 14 March 2022

Keywords:

nonverbal communication,
Bouraghiba House,
Ines Abbasi,
Shabe Nasoor,
Ibrahim Hassanbeigi.

ABSTRACT

Non-verbal Communicative Elements have an undeniable role in conveying intended concepts and subjects for which verbal communications fail to convey. Studies show that these communications are among most frequently used elements in modern novels and novelists, either consciously or unconsciously. Have applied them. Emphasizing on the American School of Comparative Literature and using the descriptive-analytical technique, the writers of the current study aim at scrutinizing a semiotic study of elements in the novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi and the extent of the usage of these elements and their functions. The results of the study indicate that Ines Abbasi has used the elements 53 times which mostly express sadness and sorrow whereas in Hassanbeigi's novel, there are 120 Non-verbal communicative elements conveying concepts like stress and anxiety to the reader. In both novels the paralinguistic elements have the most usage in conveying the message; also, substitutive function is the mostly-used one and the next is complementary. Other functions have not been reflected in both novels.

Cite this article: Azadi, S., Shohani, A. Shokati, A. (2022). Semiotic Study of Non-Verbal Communicative Elements in the Novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi. *Research in Comparative Literature*, 12 (2), 1-24.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7185.2333)



سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بوقريية لإيناس العباسي و شب ناسور لإبراهيم حسن بيكي

سكينه آزادي^١ | عليرضا شوهاني^٢ | آيت شوكتي^٣

١. طالبة الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة إيلام، إيران. العنوان الإلكتروني: s.azadi275@gmail.com

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة إيلام، إيران. العنوان الإلكتروني: a.shohani@ilam.ac.ir

٣. الكاتب المسؤول، أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها، فرع خوي، جامعة الإسلامية الحرة، خوي، إيران. العنوان الإلكتروني: shokati81@yahoo.com

ملخص	معلومات المقال
يلعب الاتصال غير اللفظي دورا لا يمكن إنكاره في نقل المفاهيم والمواضيع التي يريدها الشخص، والتي لا يستطيع الاتصال اللفظي التعبير عنها. تظهر الدراسات أن استخدام هذا النوع من الاتصال في الروايات المعاصرة أخذ في التوسع، وقد استفاد الكتاب منه عن قصد أو عن غير قصد. تم البحث في سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بوقريية لإيناس العباسي و شب ناسور لإبراهيم حسن بيكي ومدى استخدام المؤلفين لهذه العناصر، وشرح أيضا الوظائف المقصودة لكل منهما متمسكا بالمدسة الأمريكية للأدب المقارن وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي. وتشير نتيجة البحث إلى أن إيناس العباسي استخدمت هذه العناصر في ٥٣ حالة معظمها تعبر عن مواضيع مثل الحزن و... من ناحية أخرى، هناك ١٢٠ حالة اتصال غير لفظي في رواية حسن بيكي، والتي تنقل مفاهيم مثل القلق والتخوف للجمهور. في روايات المؤلفين، كانت السلوكيات الصوتية هي الأكثر استخداما في نقل الرسالة؛ أيضا، الوظيفة الأكثر استخداما هي الوظيفة الاستبدالية ثم الوظيفة الاستكمالية. وظائف أخرى لم تنعكس في الروايات.	نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: ١٤٤٣/٤/١٨ التنقيح والمراجعة: ١٤٤٣/٧/٢٢ القبول: ١٤٤٣/٨/١١ الكلمات الدلالية: الاتصال غير اللفظي، إيناس العباسي، منزل بوقريية، إبراهيم حسن بيكي، شب ناسور.

الإحالة: آزادي، سكينه؛ شوهاني، عليرضا؛ شوكتي، آيت (١٤٤٤). سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بوقريية لإيناس العباسي و شب ناسور

لإبراهيم حسن بيكي. بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (٢)، ١-٢٤.



© الكتاب.

DOI: [10.22126/JCCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCCL.2022.7185.2333)

النشر: جامعة رازي



نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی

سکینه آزادی^۱ | علیرضا شوهانی^۲ | آیت شوکتی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: s.azadi275@gmail.com
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: a.shohani@ilam.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. رایانامه: shokati81@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

ارتباطات غیر کلامی نقشی غیر قابل انکار در انتقال مفاهیم و موضوعات مورد نظر فرد دارند که ارتباطات کلامی از بیان آن‌ها عاجز است. بررسی‌ها نشان می‌دهد کاربرد این نوع ارتباطات در رمان‌های معاصر نیز گسترشی روزافزون داشته و نویسندگان، آگاهانه یا غیر آگاهانه از آن بهره برده‌اند. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نشانه‌شناسانه عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی پرداخته و میزان بهره‌گیری نویسندگان از این عناصر و نیز کارکردهای مورد نظر هر یک را تبیین کرده است. حاصل پژوهش حاکی از آن است که ایناس العباسی در ۵۳ مورد از این عناصر بهره برده است که بیشتر بیانگر مضامینی مانند غم و اندوه و... است. در مقابل در رمان حسن بیگی ۱۲۰ مورد ارتباط غیر کلامی به چشم می‌خورد که مفاهیمی مانند اضطراب و دلهره و... را به مخاطب انتقال می‌دهد. در رمان هردو نویسنده، عناصر پیرایان بیشترین کاربرد را در انتقال پیام داشته است؛ همچنین بیشترین کارکرد مورد استفاده آن‌ها، کارکرد جانشینی و پس از آن تکمیلی است. سایر کارکردها نیز در رمان‌ها بازتابی نداشته‌اند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

واژه‌های کلیدی:

ارتباط غیر کلامی،

ایناس العباسی،

منزل بورقیه،

ابراهیم حسن بیگی،

شب ناسور.

استناد: آزادی، سکینه؛ شوهانی، علیرضا؛ شوکتی، آیت (۱۴۰۱). نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس

العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۲)، ۱-۲۴.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCCL.2022.7185.2333)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

نشانه‌های ارتباطی غیر کلامی بخش عظیمی از ادبیات شفاهی و مکتوب را به خود اختصاص داده است؛ چنان‌که «بیردویسل»^۱، یکی از پیشتازان و پیشروان مطالعات غیر کلامی، مشخص کرده است که فقط ۳۵٪ از معنی در یک وضعیت خاص با استفاده از «کلام» به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵٪ باقیمانده آن در زمره «غیر کلامی» است. آلبرت مهربیان^۲، پژوهشگر ایرانی - آمریکایی، نیز پیام‌های فرستاده شده در یک ارتباط بین‌فردی را تجزیه و تحلیل کرده و دریافته است که تنها ۷٪ از معنی با پیام‌های کلامی (در قالب کلمات و جملات) به مخاطب منتقل شده و ۹۳٪ از پیام‌ها که به گونه غیر کلامی انتقال یافته است، قابل تقسیم به این موارد است: ۳۸٪ با نشانه‌های آوایی^۳ و ۵۵٪ با نشانه‌های چهره‌ای^۴ (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۲-۲۷۳) که این امر لزوم تجزیه و تحلیل این نشانه‌ها را در متون مختلف روشن می‌سازد.

عنوان دیگری که در برخی از پژوهش‌ها به این نوع ارتباط داده شده، زبان بدن^۵ است؛ زبان بدن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که از رشته‌هایی مانند فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات به ادبیات راه یافته است. ادبیات فارسی و عربی نیز از این قضیه مستثنا نبوده و خواننده، شاهد حضور و کارکرد زبان بدن در لابه‌لای رمان‌ها و دیوان‌های شعر است؛ زیرا زبان بدن دارای کارکردهای معنایی و نشانه‌شناسی^۶ است که نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت عناصر داستانی دارند و «استفاده درست از ارتباطات غیر کلامی به شخصیت‌پردازی و فضاسازی کمک می‌کند و در نتیجه به خواننده در درک اثر یاری می‌رساند» (آذری و نبیان، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

دو رمان منزل بورقیه از ایناس العباسی^(۱) و شب ناسور اثر ابراهیم حسن‌بیگی^(۲) آثاری هستند که در ژانر سرگذشت‌نامه بوده و حکایت‌گر سرگذشت دو شخص هستند و در واقع می‌توان گفت که کل داستان به ذکر خاطرات دو قهرمان اصلی داستان اختصاص یافته است. پژوهش حاضر کوشیده با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نشانه‌های غیر کلامی در دو رمان پردازد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

هدف از پژوهش حاضر، نشان دادن جایگاه ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منتخب و شناسایی، معرفی و

1. Birdwhistell
2. Albert Mehrabian
3. Sound signs
4. Face signs
5. The body language
6. semiology

طبقه‌بندی ابزارها و شگردهایی است که العباسی و حسن‌بیگی برای روایت رفتارهای غیر کلامی شخصیت‌ها در رمان‌های خویش به کار برده‌اند؛ همچنین در این تحقیق نشان داده شده است که چگونه زبان بدن می‌تواند نقش‌هایی چون: مکمل بودن، جانشینی و... را در گفتگوهای کلامی و ارتباطات غیر کلامی شخصیت‌های روایی ایفا کند.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- بارزترین حوزه‌های معنایی در رمان‌های مورد نظر، به تفکیک، کدام‌اند؟
- این نشانه‌ها در داستان‌نویسی و توصیف شخصیت‌های داستانی چه نقشی دارند؟
- بیشترین کارکرد پیام‌های غیر کلامی در رمان‌ها، به تفکیک، مربوط به کدام کارکرد است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

در مورد زبان بدن و ارتباطات غیر کلامی پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که می‌توان به مقاله‌های «رمزگشایی از رفتارهای غیر کلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس» اثر سمیه میرزا ملاحمد (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» نوشته علی اکبر باقری خلیلی و مرضیه زلیکانی (۱۳۹۴)، «تحلیل و رمزگشایی ارتباطات غیر کلامی در بوستان سعدی» اثر محمدحسین نیکدار اصل و محمدهادی احمدیانی پی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی زبان بدن در رمان / یام معه از کولیت خوری و بامداد خمار از فتانه حاج سیدجوادی» به تحقیق عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل ارتباطات غیر کلامی در منظومه لیلی و مجنون نظامی» به قلم اولادی قادیکلایی و پارسایی (۱۳۹۹) و... اشاره کرد.

همان‌طور که ملاحظه شد پژوهش در زمینه ارتباطات غیر کلامی در سال‌های اخیر مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته و این اقبال در حوزه ادبیات تطبیقی کمتر بوده است؛ چنان‌که در میان موارد یادشده در بالا فقط یک مورد (پژوهش عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی و همکاران) در این زمینه به چشم می‌خورد. در مورد رمان‌های منزل بورقیبه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن‌بیگی نیز تاکنون پژوهشی، چه از دیدگاه بررسی ارتباطات غیر کلامی و چه از دیدگاه دیگر، صورت نگرفته است و این پژوهش در مورد این دو رمان تازگی دارد.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

نشانه‌شناسی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که به بررسی و تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌پردازد. نشانه، اتحاد دال با مدلول است؛ «دال، تصویر صوتی و مدلول، مفهومی است که دال بر آن

دلالت می‌کند.» (سجودی، ۱۳۸۲: ۲۲) در نظام نشانه‌شناسی نه تنها زبان، بلکه تمامی انگاره‌ها و تصاویر، آواها، اشیا، حرکت‌ها، اداها و خلاصه تمامی آن پدیده‌هایی که درون نظام نشانه‌ها حضور دارند، صرفاً در حدّ ارتباط مطرح‌اند. «ایجاد ارتباط همواره یکی از دغدغه‌های بشر از ابتدا تا زمان حال بوده است؛ این مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی‌ای اطلاق می‌شود که به وسیله فرد برای انتقال معنی به فردی دیگر یا به توده وسیعی از افراد به کار می‌رود» (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳).

ارتباط را به دو نوع کلامی و غیر کلامی تقسیم کرده‌اند؛ ارتباط غیر کلامی که به آن «زبان بدن» هم گفته می‌شود: «حوزه گسترده‌ای را دربر می‌گیرد: از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال‌بازی، از جریان تأثیرانگیز تا جریان ترافیک، از حیطه قلمرو جوی حیوانات تا عهدنامه‌های سیاسی، از ادراک فراحی تا رایانه‌های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی‌های نخستین» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۹). ارتباط غیر کلامی نیز عبارت است از: حرکت شناسی یا شناخت رفتار جسمی، فضاشناسی یا استفاده از فضا، صور ظاهر، لامسه شناسی یا استفاده از لامسه در برقراری ارتباط، رفتارهای آوایی، زمان شناسی و ارزش گذاری بر زمان، مصنوعات و استفاده از آن‌ها در روند ارتباط و... (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۵-۱۸۷)

«نظریه اشاره^۱ که نخستین بار در قرن نوزدهم به وسیله ویلهلم ونت^۲ معرفی شد، بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، اشارات و نشانه‌هایی است که با دست ایجاد می‌شود. چنین زبانی به‌طور ناخودآگاه و در مواردی همراه با کلام به کار می‌رود؛ چنان‌که حتی امروزه هنگامی که کسی را به سوی خود فرامی‌خوانیم، افزون بر اینکه به‌طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم، تنها به اشاره متوسل می‌شویم. (یول، ۱۹۸۵: ۳؛ به نقل از پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵)

می‌توان گفت «ارتباط غیر کلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴) که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالت چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم مکالمه و... را دربر می‌گیرد. بررسی متون مختلف از منظر ارتباطات غیر کلامی که زنجیره‌هایی از نشانه‌های گسترده است، می‌تواند به خوانشی تازه از متن منجر شود و از لایه‌های معنایی متعدّد آن پرده برداری نماید.

در یک تقسیم‌بندی، پیام (ارتباط) غیر کلامی دارای شش کارکرد است:

تکمیل کردن: برخی پیام‌های غیر کلامی با پیام‌های کلامی همراه و هماهنگ هستند. یک پیام غیر

کلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت و روشن و شفاف می‌کند و معنایی «صحیح» از پیام را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ به‌عنوان مثال، وقتی یکی از دوستان خود را می‌بینید و می‌گویید: «از دیدنت خوشحالم» و هم‌زمان او را در آغوش می‌کشید، پیام فرستاده‌شده، قوی‌تر و اثرگذارتر خواهد بود. تکذیب کردن: بعضی پیام‌های غیر کلامی، پیام کلامی را نقض و تکذیب و حتی خنثی می‌کنند یا مغایر با آن هستند. وقتی پیام‌های کلامی و غیر کلامی مغایر باهم هستند، مردم بیشتر تمایل دارند پیام غیر کلامی را باور کنند؛ برای نمونه، طرف مقابل ممکن است با لحنی سرد و صدایی خصمانه بگوید: «مشکلی پیش نیامده است»، لحن در اینجا یکی از اجزای پیرایان است.

تکرار کردن: پیام غیر کلامی که تکرارکننده پیام کلامی است، گونه‌ای از پیام است که اگر کلام هم وجود نداشته باشد، می‌تواند به‌طور مستقل عمل کند؛ مثلاً وقتی که بخواهید در رستوران، به‌اندازه دو نفر غذا سفارش بدهید، هنگامی که می‌گویید دو غذا، دو انگشت خود را نیز نشان می‌دهید؛ در واقع پیام‌های غیر کلامی تکرارکننده پیام‌های کلامی هستند و برعکس.

کنترل کردن: تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهت‌ی که دارند، سازمان‌یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیر کلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می‌رسد. پیام‌های غیر کلامی کنترل‌کننده عبارت‌اند از: نگاه کردن یا برگرداندن نگاه از شخص دیگر، بالا بردن یک انگشت ضمن مکث کردن برای نشان دادن خاتمه صحبت‌های خود، آهنگ صدا را بالا یا پایین آوردن و....

جانشینی: وقتی پیام‌های غیر کلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند.

جانشینی: وقتی پیام‌های غیر کلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند.

تأکید: پیام‌های غیر کلامی به‌منظور تأکید، تقویت، تکیه یا برجسته کردن پیام کلامی به کار برده می‌شوند. مکث کردن پیش از صحبت کردن، حاکی از آن است که آنچه گفته خواهد شد، بسیار بااهمیت است. این شش کارکرد همیشه به‌طور جداگانه اتفاق نمی‌افتند؛ هم‌زمان روی دادن آن‌ها نیز کاملاً امکان‌پذیر است. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. خلاصه رمان منزل بورقبیه

این رمان از زمانی آغاز می‌شود که «جهان» طی تماس تلفنی عمه خود از مرگ پدرش، حبیب الیاس، در

«شیکاگو کوچک» آگاه شده تا سفر خود را با بازخوانی خاطرات گذشته و پیوند دادن موضوعات حال و گذشته آغاز کند. حبیب که پسر بزرگ خانواده است پس از طلاق همسر اول خویش، همراه برادرش، نورالدین، عازم آمریکا می‌شود تا گمشده خویش را در این کشور بیابد. نورالدین در این کشور از دنیا می‌رود و حبیب حاضر به گفتن راز و علت مرگ او نیست و با مرگ خودش این راز سر به مهر می‌ماند. جهان و نامادری‌اش، صوفیا، به تناوب در روند روایت رمان قرار می‌گیرند و به روایت بخشی از زندگی حبیب می‌پردازند. هر دو به زمان کودکی حبیب بازمی‌گردند و هر یک از آن‌ها زندگی او را از زاویه‌ای متفاوت بازگو می‌کنند. نویسنده با استفاده از فن «فلش‌بک»، برای بازیابی گذشته شخصیت‌ها، به روایت داستان بین دو زمان موازی پرداخته است؛ زمان حال یعنی پس از مرگ پدر و زمان گذشته و مهاجرت حبیب به شیکاگو. مسئله مهاجرت یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که نویسنده در رمان خود به آن پرداخته است؛ وی کشورهای غربی را به‌عنوان زمینه‌ای مناسب برای رؤیا و موفقیت قلمداد کرده و این تفکر در رفتار و گفتار صوفیا و شوهر آمریکایی وی، روی، آشکار است.

۲-۲. خلاصه رمان شب ناسور

این رمان با ماجرای رفتن «اصغر ضحاک» به کمیته مشترک ضدخراب‌کاری برای اطمینان از نابودی کامل مدارک بازجویان ساواک آغاز می‌شود. وی پس از خروج با انبوه جمعیتی روبه‌رو می‌شود که می‌پندارند وی یکی از زندانیان است و از او استقبال گرمی می‌کنند. او که در زندان کمیته مشترک ضدخراب‌کاری ساواک، بازجوی نیروهای انقلابی است، فهرستی از ۲۱ زندانی را آماده کرده که در بازجویی‌ها اعترافی نداشته‌اند. وی تصمیم می‌گیرد خود را به‌عنوان یک خبرنگار بانام مستعار «آقای ابراهیمی‌زاده» جا بزند و هدف خود را جمع‌آوری اطلاعات زندانیان سابق معرفی کند. وی پس از رویارویی با دو تن از زندانیان به نام‌های «سید محسن ملکی» و «رضا توسلی» و تخلیه اطلاعاتی آن‌ها تحت عنوان گزارش، آن‌ها را به قتل می‌رساند؛ سپس سراغ یکی از زندانیان زن به نام «فریبا علیپور» می‌رود که علاقه‌ای قلبی نیز نسبت به او دارد. فریبا نیز که قبلاً معلم و از چپ‌گرایان بوده، در زندان با اسلام‌گرایان آشنا شده و تحت تأثیر آن‌ها، عقاید اسلامی بر رفتار و پوشش او تأثیر گذاشته است. او که از هوش سرشاری برخوردار است، از روی صدا اصغر ضحاک را می‌شناسد و در یک قرار صوری او را تحویل نیروهای انقلابی می‌دهد؛ بدین گونه رمان پایان می‌یابد. در این رمان نیز نویسنده به بررسی حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران پرداخته و با استفاده از فن فلش‌بک، مدام به گذشته گریز می‌زند و حوادث روی داده را در قالب دو زمان موازی

یعنی پس از انقلاب و گذشته یعنی پیش از انقلاب روایت می‌کند.

۳-۲. حالت‌های چهره

حالات چهره پس از سخن گفتن، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی افراد هستند. «شاهد این مدعا، زمان و حجم کارهایی است که نویسندگان داستان‌ها و نمایش‌نامه‌نویسان به توصیف جزئیات چهره شخصیت‌های مورد نظر خود اختصاص داده‌اند» (هارجی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۳)؛ همچنین «ما می‌توانیم به وسیله حالات چهره، ناراحتی، عدم اطمینان، اعتماد، دلواپسی و... را به گیرندگان پیام منتقل نماییم» (احدیان، ۱۳۷۴: ۵۱).

۳-۲-۱. دال بر عصبانیت

العباسی از زبان عمه شخصیت اصلی، به روایت صحنه‌ای پرداخته که در آن، مادر بزرگ بر اثر کم‌توجهی همسرش نسبت به خانواده و هم‌نشینی مداوم و سرگرم شدن با دوستانش، عصبانی بوده است؛ نویسنده برای القای این عصبانیت به مخاطبان، از گره خوردن ابروها، به هم فشردن لب‌ها بر یکدیگر در کنار فریاد زدن بر سر کودکان معصوم بهره برده و این پیام را در این بخش، در قالب کارکرد جانشینی مورد استفاده قرار داده است: «أذكر يومها كيف نهرتنا أمي عاقدة حاجبها وقد زمت شفيتها الرقيقتين» (العباسی، ۲۰۱۸: ۳۲) (ترجمه: من آن روز را به یاد می‌آورم که چگونه مادرم بر سر ما فریاد زد؛ در حالی که ابروهایش به هم گره خورده بود و لب‌های نازک خود را بر هم می‌فشرد).

حسن بیگی از زبان راوی به بیان صحنه‌های مختلف شکنجه‌شدن افراد به وسیله مأموران ساواک اشاره کرده است. «حسینی» یکی از شخصیت‌های بسیار خشن داستان است که انواع شکنجه‌ها را در مورد افراد مذهبی و مخالفان رژیم ستم‌شاهی روا می‌داشته و در یکی از صحنه‌ها به علت ناتوانی و عجز از گرفتن اعتراف از یکی از زندانیان، بسیار عصبانی شده است که نویسنده این امر را با سرخ شدن چهره و عرق کردن بسیار وی به مخاطب خویش القا ساخته و این پیام را در قالب کارکرد جانشینی به کار گرفته است: «صورتش سرخ شده بود و خیس عرق». (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۲۶)

۳-۲-۲. دال بر اضطراب و ترس

در رمان منزل بورقبیه، حبیب الیاس در وصیت‌نامه خود که وکیل مشغول قرائت آن برای بازماندگان وی است، منزل خود را در تونس به دخترش، جیهان و رستوران و منزلش در شیکاگو را به همسر دوم خود، صوفیا و دختر وی بخشیده است. این امر سبب ایجاد اضطراب در وجود صوفیا می‌شود که این پیام در قالب رنگ پریدگی و با کارکرد جانشینی در کلام گنجانده شده؛ زیرا صوفیا انتظار داشته است که حبیب توجه

خاصی به فرزند اول خویش نداشته باشد: «قبل أن يتلفظ المحامي بآخر حرف من الجملة التي أوصى لي فيها أبي بالبيت، انتفضت صوفيا واقفة وقد شحب وجهها بصورة مخيفة وكأن آخر قطرة دم سُحبت من جسدها في تلك اللحظة» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: قبل از اینکه وکیل حرف آخر جمله‌ای را به زبان بیاورد که در آن پدرم وصیت کرده بود خانه را به من بدهد، صوفیا برخاست و در حالی که ایستاده بود، صورتش به طرز ترسناکی رنگ پریده بود، گویی در آن لحظه آخرین قطره خون از بدنش گرفته شده بود.)

در یکی از صحنه‌های رمان شب ناسور، دو برادر به نام متین و مجید به جرم پخش اعلامیه دستگیر شده‌اند؛ اصغر ضحاک که در این بخش راوی رمان است، از ترس و اضطرابی که بر وجود برادر کوچک‌تر، متین، حاکم بوده، سخن گفته و آن را با دال رنگ پریدگی صورت و در قالب کارکرد جانیشینی تبیین ساخته است: «رنگش مثل گچ سفید شده بود» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۶۵) این نشانه با مدلول یکسان و کارکرد مشابه در صفحه ۱۷۲ و با کارکرد تکمیلی در صفحه ۱۸۸ نیز به کار گرفته شده است.

۲-۳-۳. دال بر ناراحتی

زمانی که دلال، دختر مشترک حبیب و صوفیا، به مادرش خبر می‌دهد که حبیب سکنه کرده و آن‌ها در راه بیمارستان هستند، صوفیا به سرعت خود را به بیمارستان می‌رساند و پس از روبه‌رو شدن با جسد بی‌جان همسرش، شروع به سیلی زدن بر صورت خویش می‌کند که نشانه‌ای از ناراحتی وی از مرگ همسر است و با کارکرد جانیشینی در کلام ذکر شده است: «و حين وقتُ مجدداً في مَرِّ المستشفى رفعت يدي و لطمت وجهي فارتطمت يدي بطرف القبعة التي نسبتها على رأسي» (العباسي، ۲۰۱۸: ۶۴) (ترجمه: وقتی دوباره در راهرو بیمارستان ایستادم، دست‌هایم را بلند کردم و به صورتم سیلی زدم، بنابراین دستم به لبه کلاه‌می برخورد کرد که روی سرم فراموش کرده بودم.)

رضا توسلی یکی از زندانیان پیش از انقلاب است که اصغر ضحاک بارها به شکنجه او پرداخته؛ اما نتوانسته است از وی اطلاعاتی کسب کند. اکنون ضحاک خود را در قالب یک خبرنگار به نام ابراهیمی زاده جا زده و به گفتگو با او پرداخته است. توسلی به شرح خاطرات خود در آن زمان می‌پردازد که در حجره یکی از آزادی خواهان به نام آقای عمران زاده به همراه شخصی به نام محمد، مشغول پخش اعلامیه بوده‌اند. بعد از مرگ آقای عمران زاده، محمد بسیار اندوهگین شده است که این امر با دال رنگ پریدگی و ریختن اشک در قالب کارکرد جانیشینی به مخاطب القا شده است: «رنگش پریده بود و اشک‌هایش روی گونه‌های فرورفته‌اش می‌چکید» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

جدول ۱. حالت‌های چهره در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
زیر و رو کردن لب‌ها	بی تفاوتی	جانشینی	العباسی: ۲۲-۲۳
گرفتن چانه	طلب شناخت و آگاهی	جانشینی	۳۰
لرزش لب‌ها	اضطراب و ترس	تکمیلی	۱۳۷
پاک کردن عرق پیشانی	خستگی	جانشینی	حسن بیگی: ۲۴
کبود شدن صورت	تحمل درد	جانشینی	۲۱۲ (دو بار)
فشردن دندان‌ها روی هم	درد	جانشینی	۱۷۵-۲۵
داشتن ریش	اسلامی بودن	جانشینی	۳۱، ۳۴، ۹۵ و ۱۰۷
بازماندن دهان	تعجب	جانشینی	۱۰۴
گاز گرفتن لب‌ها	درد	جانشینی	۱۷۶
عرق کردن	درد	جانشینی	۱۷۶
کج کردن لب و لوجه	تمسخر و تحقیر	تکمیلی	۲۰۲
گل انداختن لب‌ها	سرحال و قهراق بودن	جانشینی	۲۰۸

۲-۴. حالت‌های چشم

چشم‌ها از بزرگ‌ترین کلیدهای شناخت شخصیت محسوب می‌شوند که مخاطب را به شکل واقعی به آنچه در عقل و ذهن گوینده می‌چرخد، راهنمایی می‌کنند، تمام احساسات را بازتاب می‌دهند و رازها را آشکار می‌کنند (خلاف، ۲۰۱۹: ۲۲۲). ارتباط و تماس چشمی از حالتی است که می‌تواند مفاهیم متعددی را درون خود پنهان کند و کارکردهایی همچون کسب اطلاع، بیان عواطف، شکل‌گیری ارتباط و وادار کنندگی و تنظیم کنندگی تعامل داشته باشد (سامووار و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۶۶).

پس از اینکه عمه مریم، خبر فوت پدر جیهان را به وی می‌دهد، دختر که از شنیدن این خبر بسیار ناراحت است، چشمان خود را می‌بندد و به گذشته شیرین خویش در کنار پدری فکر می‌کند که در کودکی او را رها ساخته است. در این مورد، بستن چشم نشانه‌ای از تفکر است که با کارکرد جانشینی در کلام به کار گرفته شده است: «أغمضتُ عینی مستمعةً لصوت انهمار الأمطار في الخارج.» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۲) (ترجمه: چشم‌هایم را بستم؛ در حالی که به باران بیرون گوش می‌دادم).

بعد از انقلاب اسلامی، اعضای ساواک به خارج از کشور گریخته یا با تغییر چهره، خود را مخفی ساخته‌اند؛ گویی اصغر ضحاک در این کار استاد بوده است؛ چنان‌که وقتی با صمیمی‌ترین همکار خویش، وثوق، روبه‌رو می‌شود، وثوق نمی‌تواند وی را بشناسد و تنها بعد از ریز کردن چشم‌هایش و دقت فراوان، وی را می‌شناسد. در این بخش، ریز کردن چشم‌ها، نشانه دقت در شناخت فرد، در کنار ترس و اضطرابی است

که بر وجود وثوق مستولی گشته و با کارکرد جانشینی در رمان جا خوش کرده است: «چشم‌هایش را ریز کرد و به دقت زل زد و با تردید گفت: جوجه کباب هوس کرده‌اید؟» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۴) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۲۸، ۱۶۹ و ۲۰۹ نیز به کار گرفته شده است.

جدول ۲. حالت‌های چشم در هر دو رمان

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
العباسی: ۱۹	جانشینی	انتظار	نگریستن به ساعت
۹۴	جانشینی	شب‌نخوابی	هاله سیاه دور چشم
۱۶۴	جانشینی	گریه فراوان	چشمان متورم
۲۱	جانشینی	مهربان‌بودن فرد (باوان‌پوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۴)	چشمان قهوه‌ای
۹۱	جانشینی	رضایت	درخشش چشم
حسن‌بیگی: ۱۲	جانشینی	تفکر و حسرت نسبت به گذشته	بستن چشم
۱۵۲	جانشینی	شرمساری	
۸۱ و ۶۲، ۵۲	جانشینی	عصبانیت	اخم کردن
۱۰۱	تکمیلی		
۱۶۳ و ۵۷	جانشینی	ترس	گردشیدن چشم
۱۶۶	جانشینی	تعجب	از حدقه بیرون زدن
۱۴	تکمیلی		
۱۱۳	جانشینی	تعجب	درشت شدن چشم

۲-۵. حالت‌های نگاه کردن

نگاه به عنوان عامل اصلی ارتباطات در بین موجودات زنده چه در حوزه حیوانات و چه در حوزه انسان‌ها محسوب می‌گردد و اهمیت آن تا بدان جاست که محور رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. نگاه هر چند جزو ارتباطات غیر کلامی به‌شمار می‌آید، ولی فقدان نگاه می‌تواند تا حد زیادی ارتباط کلامی را نیز مختل سازد. اندیشمندان علم ارتباطات معتقدند که نگاه کردن، وسیله‌ای برای دریافت برون‌فکنی‌های دیگران اعم از محبت، کینه، بیزاری، نفرت، بی‌تفاوتی، نگرانی، اضطراب و... است؛ حتی می‌تواند علائم تهدیدکننده‌ای را برای ما ارسال نماید؛ بنابراین نگاه هم علامت است و هم کانال ارتباطی؛ علامت برای گیرنده و کانال برای فرستنده. (علیپور ملاحی، ۱۳۹۸) نگاه از رایج‌ترین و نیرومندترین علائم ارتباط غیر کلامی است که انواع مختلفی دارد: نگاه خیره، نگاه متقابل، نگاه یک‌سویه و...؛ همچنین کارکردهایی در جریان تعامل برای آن‌ها وجود دارد.

حبیب الیاس برای خواندن وصیت‌نامه خویش، و کیلی بسیار مشهور را انتخاب کرده است؛ زمانی که

دخترش برای شنیدن متن وصیت‌نامه به همراه نامادری و خواهر ناتنی‌اش به دفتر این وکیل می‌روند، نوع نگاه جیهان نشانه طلب شناخت و کسب اطلاعات بیشتر در مورد این وکیل مشهور است که وی آرزوی دیدن او را از نزدیک داشته است. این پیام با کارکرد جانشینی در کلام گنجانده شده است: «حوّلتُ نحو الخاهي الخمسيني» (العباسی، ۲۰۱۸: ۹) (ترجمه: به سوی وکیل پنجاه‌ساله چرخیدم).

زمانی که اصغر ضحاک و وثوق به شکنجه دو برادر انقلابی، متین و مجید، پرداختند، از آن‌ها خواستند که اطلاعاتی در مورد قاتلان کامران - یکی از افراد رده‌بالای ساواک - و نیز قاتلان سفیر آمریکایی به آن‌ها ارائه کنند. در این بخش، نوع نگاه کردن متین هنگام نوشتن روی برگه، بیانگر ترس با احتیاطی همراه است که در چهره او نهفته است. راوی برای انتقال این پیام از کارکرد جانشینی بهره گرفته است: «گاهی زیرچشمی به برادرش نگاه می‌کرد، گاهی هم به ما نیم‌نگاهی می‌انداخت.» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۶۶)

جدول ۳. حالت‌های نگاه کردن در هر دو رمان^۱

مدلول	کارکرد	صفحه
جدی بودن	جانشینی	العباسی: ۲۵
ناراحتی و شرمساری	جانشینی	۱۳۱
تعجب	جانشینی	حسن بیگی: ۲۳، ۳۷، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۹۰ و ۲۱۶
عصبانیت	تکمیلی	۹۷ و ۱۲۴
تفکر	جانشینی	۴۴ و ۱۲۲
طلب آگاهی	جانشینی	۱۲۸ و ۱۴۵
ترس	تکمیلی	۱۵
شیطنت	جانشینی	۱۳
یادآوری خاطرات گذشته	تکمیلی	۱۲۹
شرم	جانشینی	۱۱۳
پرسش	جانشینی	۲۰۸
شوخی	جانشینی	۱۲۵
تفکر	جانشینی	۱۲۶
	جانشینی	۱۴۸

۲-۶. حالت‌های لامسه

میزان لمس کردن و هدف از لمس کردن به میزان زیادی در نتیجه‌هنجارهای فرهنگی به وجود می‌آید و گونه‌هایی دارد، مثل دست‌دادن، نوازش کردن، درآغوش کشیدن، گرفتن بازو و... (ریچموند و

۱. در تمام این موارد، دال، نوع نگاه کردن است.

مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۹۹). بیشترین کارکرد پیام‌های مربوط به حس لامسه، نشانگر محبت و علاقه بین دو طرف است. «تماس صمیمانه زیاد از حد، نشان‌دهنده محبت، عشق و دل‌بستگی عاطفی و روانی است» (همان: ۳۰۴)؛ همچنین «تماس بدنی با توجه به عوامل مختلف زمینه‌ای، مانند لمس‌کننده (دوست یا غریبه)، ماهیت تماس جسمی (کوتاه، طولانی، آهسته یا سخت) و محیط تماس (محل کار، خیابان، خانه و...) می‌تواند نشانه عاطفه، تسلط، توجه، جاذبه جنسی، مراقبت و پرخاشگری باشد. با وجود چنین پیچیدگی‌هایی، شواهد موجود نشان می‌دهند که هر وقت لمس پذیرفتنی تر قلمداد شود، اغلب به واکنش مثبت می‌انجامد» (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۶). در بسیاری از جوامع، تماس بدنی نشانه علاقه و پذیرش است و خودداری از لمس کردن، مجموعه‌ای از احساسات منفی مثل رنجش و بدگمانی را انتقال می‌دهد (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۹۹). لازم به ذکر است در هر دو رمان مورد بررسی، تمامی موارد دربرگیرنده پیام‌های لامسه‌ای، بر محبت و علاقه دلالت دارند.

جهان به هنگام ورق‌زدن آلبوم خانوادگی‌شان با دیدن عکس‌های عمه مریم به هنگام اولین زایمانش در حالی که همسرش هنگام خروج از بیمارستان با لبانی خندان، شانه‌های عمه را گرفته بود، به علاقه و محبتی که بین آن‌ها جریان داشته است، پی برد. این نشانه دارای کارکرد جانشینی است: «... و بجانب صورتهما صورة لعمتی مریم فی المستشفی، یمسک زوجها المبتسم بکنفیها ینما تحمل طفلهما الأول بین ذراعیهما» (العباسی، ۲۰۱۸: ۵۰) (ترجمه: در کنار عکس آن دو، عکسی از عمه‌ام مریم در بیمارستان دیده می‌شد؛ در حالی که شوهر خندان او شانه‌هایش را گرفته بود و اولین فرزندشان در آغوش عمه بود).

حسن بیگی در صحنه‌های آغازین رمان خویش، از هجوم انقلابی‌ها و ویران‌شدن کمیته مشترک ضد خراب‌کاری سخن گفته است؛ اصغر ضحاک که برای اطمینان از نابودشدن کامل مدارک هویتی خود و سایر ساواکی‌ها به محل رفته است، فرنچ زندانیان ساواک را بر تن می‌کند و با توجه به اینکه در مدت آوارگی نتوانسته است ظاهر خویش را مرتب کند، در پندار مردم عادی یکی از زندانیانی است که از مهلکه مرگ به وسیله ساواک گریخته است. در این صحنه، مردی زیربازوی او را می‌گیرد و از او اجازه می‌خواهد که تا درب منزلش وی را همراهی کند که نشانه علاقه و محبت مردم به او به‌عنوان یک زندانی سیاسی است. این پیام با کارکرد تکمیلی در کلام گنجانده شده است: «مردی هم‌سن و سال خودم ... زیر بازویم را گرفت و گفت: خودم نوکرم برادر! هر جا بخواهی می‌برمت.» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۸)

جدول ۴. حالت‌های لامسه در هر دو رمان

حس بیگی	العباسی
تکمیلی: ۹ و ۱۷	جانشینی: ۴۴، ۱۲۶، ۱۷۹ و ۱۸۲ تکمیلی: ۳۰، ۱۳۸
جانشینی: ۹، ۱۰، ۴۵، ۱۱۹	تکمیلی: ۳۰، ۱۳۸

۲-۷. حالت‌های دست

از نظر دانشمندانی چون ونیز، هارپر و ماتارازو، در ارتباطات غیر کلامی، دست‌های بشر دومین منبع و وسیله مهم ارتباط با دیگران، پس از حرکات چهره است (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۳۰۱). افراد در برخوردهای اجتماعی خود از حرکات بدنی بسیار زیادی استفاده می‌کنند، هر چند حرکات دست از همه گویاتر است. ژست‌ها معمولاً به معنی حرکت ارادی بدن به وسیله دست‌ها، سر یا سایر بخش‌های بدن به منظور انتقال اطلاعات است (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۴۷).

پس از اینکه وکیل معروف، وصیت‌نامه حیب الیاس را قرائت کرد که وی در آن، منزل خود در «بورقیبه» تونس را به دخترش جهان بخشیده بود، همسر دوم، صوفیا، به شدت از این قضیه ناراحت شد. لرزش دست، ابزاری است که العباسی در این مثال با کارکرد تکمیلی به کار گرفته تا ناراحتی و اضطراب صوفیا را به مخاطب انتقال دهد: «وید مرتعشة أشعلت سیجارة دخنتها بصمت قبل أن تقول للمحامي: هذه الوصية باطلة وسأفعل كل ما بوسعي لإلغائها» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: با دستی لرزان، سیگاری روشن کرد و در سکوت آن را دود کرد قبل از اینکه به وکیل بگوید: این وصیت‌نامه باطل است و من تمام تلاش خود را برای لغو آن انجام خواهم داد.) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۴۱ به کار گرفته شده است.

وقتی که اصغر ضحاک، وثوق را در یک غذاخوری می‌بیند، از وضعیت موجود و فرار سران ساواک به خارج ناراضی است، اما وثوق معتقد است که این وضعیت تنها چند ماه دوام خواهد آورد و آن‌ها باید زمینه‌ساز برگشت شاه به کشور شوند. در این گفتگو وثوق انگشتش را به نشانه تهدید به سمت اصغر می‌گیرد. این پیام با کارکرد تکمیلی به کار رفته است: «بعد انگشت اشاره‌اش را به سمت گرفت و ادامه داد: گوش کن ببین چه می‌گویم ...» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۶)

جدول ۵. حالت‌های دست در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحات
ضربه زدن به دیوار با مشت	عصبانیت	جانشینی	العباسی: ۱۳
لرزش دست	هیجان	جانشینی	۴۹
لمس کردن با دست	طلب شناخت	تکمیلی	۳۴
اشاره با دست	راهنمایی کردن	جانشینی	۴۳
پاک کردن صورت	خستگی	جانشینی	۹۵
مالیدن دست‌های عرق کرده به هم	اضطراب	جانشینی	۱۲۶
لرزش دست	ترس	جانشینی	حسن‌بیگی: ۱۶۶
اشاره با دست	راهنمایی کردن	جانشینی	۱۲۰

۸-۲. حالات بدن

در کنار حالات مختلف بدن، گاهی برخی موارد نیز یافت می‌شود که زیرمجموعه مورد خاصی قرار نگرفته است؛ چنان‌که عصبانیت صوفیا از وصیت‌نامه شوهرش و بخشیدن منزل تونس به دخترش، امری است که به اشکال مختلف در رمان العباسی نمود یافته است. در صحنه انتخاب شده، صوفیا بعد از شنیدن این خبر، سیگارش را بر زمین انداخته و با پا آن را له می‌کند این امر دال بر عصبانیت اوست که با کارکرد جانشینی به کار رفته است: «ومتجاهلة المنفضة على الطاولة، أسقطت صوفيا سيجارتها بحمّة على الأرض وسحقتهما بقدمها ثمّ توجهت نحو الباب دون كلمة» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: صوفیایی توجّه به زیرسیگاری که روی میز بود، سیگار خود را به آرامی روی زمین انداخت و با پا آن را له کرد و سپس بدون هیچ حرفی به سمت دررفت).

مأموران ساواک در بخش‌های مختلف رمان شب ناسور، جهت دستگیر کردن انقلابی‌ها به تعقیب آن‌ها می‌پردازند؛ آقا کاظم یکی از مبارزان انقلابی است که ساواکی‌ها برای دستگیر شدنش به مغازه‌اش مراجعه می‌کنند. در این بخش، سید محسن ملکی که زمانی شاگرد مغازه او بوده است، به روایت صحنه حضور دو ساواکی می‌پردازد که یکی از آن‌ها مدام به بیرون سرک می‌کشیده است. این پیام می‌تواند دارای مدلولی دوگانه باشد: ترس و اضطراب آن‌ها یا تلاش در راستای کسب خبر و دارای کارکرد جانشینی است: «یکی شان که کوتاه تر بود و نگران تر و مرتب به بیرون سرک می‌کشید ایستاد دم در.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷:

(۳۵)

جدول ۶. حالت‌های بدن در هر دو رمان

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
العباسی: ۱۳	جانشینی	عصبانیت	لگدزدن به وسایل
۴۱	جانشینی	ترس	دویدن
۹۳ و ۵۸	جانشینی	طلب شناخت	بالا بردن سر
۱۶۱	جانشینی	استرس	بالارفتن ضربان قلب
حسن‌بیگی: ۱۶	تکمیلی	ناراحتی	خم کردن سر به طرف کسی
۱۲۳ و ۱۷	تکمیلی	پنهانی بودن کلام	نزدیک کردن سر به گوش
۲۹	جانشینی	طلب شناخت	چرخش سر به اطراف
۳۰	تکمیلی	تفکر	خاراندن پشت سر
۴۳ و ۱۳	جانشینی	کسب اطلاع	بالا بردن سر
۱۱۹، ۱۴۴ و ۲۰۶	جانشینی	تأیید کلام	تکان دادن سر
۱۳۶	تکمیلی		
۱۲۱ و ۱۱۶	جانشینی	شرم	پایین انداختن سر
۹۷ و ۹۴	جانشینی	ناراحتی	چسباندن زانو به سینه
۲۱۲	جانشینی	درد	
۲۹	جانشینی	استرس	بالارفتن ضربان قلب

۹-۲. حالت‌های پیرازبان

پیرازبان پدیده‌های غیر زبانی همچون کیفیت صدا، ندا، صدای خنده، صدای هق‌هق، سرفه و سکوت را دربر می‌گیرد. این رفتار غیر زبانی نقش بسیار مهمی در زندگی بازی می‌کند (کورت، ۱۹۹۷: ۲۶-۲۸). اصوات نیز گاه به‌خودی‌خود، پیام غیر کلامی محسوب می‌شوند. «نمادها و نشانه‌های شنیداری از طریق اندام گوش و حس و نظام شنوایی دریافت می‌شوند. این صداها با تجربیات شخصی و پیشینه‌های ذهن در آمیخته می‌شوند و معنای ویژه‌ای را تولید می‌کنند» (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۳).

تغییرات و نوسانات در گفتار یکی دیگر از راه‌های ارتباط غیر کلامی است که «علائم فرازبانی» نامیده می‌شود و معانی مختلفی را با خود منتقل می‌کند. زیر و بمی صدا، بلندی آهنگ، سرعت، موزون بودن و تردید و تأمل در کلام اطلاعات خاصی را منتقل می‌سازد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۳). آواها در داستان از سوی شخصیت‌ها تولید می‌شوند که مؤلفه‌هایی مانند کیفیت صدا، دانگ، لحن و... دارند (یول، ۱۳۷۸: ۳). حرکات بدنی گوینده هنگام صحبت کردن، تأثیر خاصی بر مسئله‌ای می‌گذارد که در مورد آن بحث می‌شود؛ زیرا حرکات بدنی احساسات و حالاتی مانند شادی یا ناراحتی گوینده را مشخص و منتقل می‌کند (ویکر، ۱۳۸۸: ۲۰).

۹-۲-۱. خندیدن

خنده از رایج‌ترین رفتارهای ارتباطی چهره به شمار می‌رود که رمزگشایی از آن کمی دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا خنده می‌تواند ساختگی هم باشد (پیس و پیس، ۱۳۸۷: ۹۱). «خندیدن یا فشردن لب‌ها به همدیگر، پیام‌های مختلفی به طرف مقابل می‌دهد» (حسام‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۱) «خندیدن از فرهنگی به فرهنگ دیگر معنی کاملاً متفاوتی دارد. اینکه چه کسی، برای چه، چقدر و چگونه بخندد و از این طریق چه چیزی نشان داده می‌شود، قسمتی از آموزش فرهنگی هر شخص دربارهٔ این عناصر ارتباطی به شمار می‌رود» (اسمیت، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۸).

مادر بزرگ جیهان سعی دارد با سفر به ایتالیا و خرید وسایل و فروش آن‌ها در تونس، درآمدی داشته باشد تا برای فرزندانش پس‌انداز کند. وی در یکی از این سفرها دخترانش را نیز همراه خود می‌برد تا بتواند از گمرک، اقلام بیشتری را عبور دهد. هنگامی که آن‌ها قصد اجارهٔ یک اتاق را دارند، فردی آن‌ها را به یک هتل می‌برد؛ غافل از اینکه آن محل، یک محل بدنام و مخصوص افراد بدکاره است. مادر بزرگ بعد از شنیدن این امر، همراه دخترانش از آن محل فرار می‌کند. بازگویی این امر سبب خندهٔ عمه می‌شود؛

به گونه‌ای که اشک از چشمانش جاری می‌گردد. این پیام دارای کارکرد تکمیلی است: «تضحک عمّی وتسمح دموع الضحك التي تظفر من عینها: ما زالوا بانتظار عودتنا إلى یومنا هنا» (العباسی، ۲۰۱۸: ۲۷)؛ (ترجمه: عمه‌ام می‌خندید؛ در حالی که اشک خنده را که از چشمانش می‌ریخت، پاک می‌کرد: آن‌ها هنوز منتظرند تا ما برگردیم.) حضور حبیب الیاس در آمریکا سبب دوری او از دختر و خواهرانش شده است. زمان فوت وی، خواهرانش تصمیم می‌گیرند که تشییع جسد او به جای آنکه از مقابل خانه یکی از آن‌ها باشد، از جلوی خانه قدیمی خودش صورت گیرد. این امر سبب تمسخرآمیز بودن صحنه از نظر دختر او می‌شود. نویسنده از این نشانه به عنوان کارکرد جانشینی استفاده کرده است: «اتفقت عمّاتی علی خروج جنمان أبی من بیته بدلاً من بیت واحدة منهن. ابتسمت باستخفاف لسخرية الموقف، فها أنا أعود بعد کلّ هذه السنوات لأری أبی میتاً ولأنتظره فی بقایا البیت الذی دخلته فی الماضي مرات قليلة» (همان: ۱۴)؛ (ترجمه: عمه‌های من توافقی کردند که جسد پدرم به جای خانه یکی از آن‌ها، از خانه خودش بیرون بیاید. من بآبی اعتنایی به مسخره بودن موقعیت لبخند زدم؛ زیرا پس از این همه سال برگشته بودم تا ببینم پدرم مرده است و در بقایای خانه‌ای که در گذشته چند بار وارد آن شده بودم، منتظر او هستم.)

پیش از انقلاب، مشروب‌خواری در کافه‌ها امری عادی بوده که با وقوع انقلاب اسلامی بساط آن برچیده شده است. زمانی که اصغر ضحاک به کافه مسیو می‌رود، از جانب مسیو لبخند تلخی نثار وی می‌شود. این نوع لبخند زدن دال بر ناراحتی از وضعیت موجود است که با کارکرد جانشینی در کلام ذکر شده است: «لبخند تلخی روی لب‌هایش نشست» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۱۳).

قمر در عقرب بودن یک وضعیت دال بر پیچیدگی و سختی آن است؛ زمانی که اصغر ضحاک در صحنه‌های آغازین رمان با وثوق روبه‌رو می‌شود، از اوضاع نابسامان پیش رو بسیار ناراحت است. نوع خنده وی در این حالت دال بر تمسخری آمیخته با ناراحتی است که نویسنده آن را در قالب کارکرد تکمیلی به مخاطب خویش القا ساخته است: «- اوضاع را که می‌بینی قمر در عقرب است. پوزخندی زدم و گفتم: عقرب در عقرب است» (همان: ۱۴). این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۹۷، ۹۸، ۱۵۴، ۱۵۹ و ۱۷۲ به کار گرفته شده است.

۲-۹-۲. آه کشیدن

آه کشیدن یکی از ابتدایی‌ترین رفتارهایی است که در هنگام ناراحتی و افسوس و حسرت نسبت به گذشته از جانب انسان صورت می‌گیرد. جهان از عمه‌اش خواسته تا در مورد پدر بزرگش، حمادی، برای او بیشتر سخن بگوید. یادآوری خاطرات خوش گذشته در ذهن عمه سبب می‌شود که وی در لابه‌لای کلام خویش، آه بکشد که دال بر حسرت بر گذشته و ناراحتی برای از دست رفتن آن لحظات غیرقابل تکرار

است. نویسنده از این پیام با کارکرد تکمیلی بهره برده است: ««حدیثی عن جدی حمادی اکثر» کنت أطلب منها بصوت خافت، تتهدد عمقی وتواصل: «جدك كان متحدثاً بارعاً وصاحب نکتة» (العباسی، ۲۰۱۸: ۴۶) (ترجمه: از پدر بزرگم حمادی بیشتر حرف بزن، من با صدای آرام از او می‌خواستم، عمه‌ام در حالی که آه می‌کشید، ادامه داد: پدر بزرگت سخنگویی توانمند و بذله‌گو بود.) این نشانه با مضمون مشابه و کارکرد جانشینی در صفحه ۱۰ به کار رفته است.

وثوق - ساواکی سابق و دوست اصغر ضحاک - نیز از وقوع انقلاب و اوضاعی که برای آن‌ها پیش آمده به شدت ناراحت و اندوهگین است. در این بخش آه بلندی که او کشیده در کنار آه اصغر ضحاک، دال بر ناراحتی آن‌ها از اوضاع موجود و حسرت خوردن نسبت به گذشته باشکوه آن‌هاست. این پیام با کارکرد جانشینی مورد استفاده واقع شده است: «نفس بلندی کشید. مثل آهی که این روزها همیشه می‌کشیدم» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۱۵). این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۱۱۳ و با کارکرد تکمیلی در صفحات ۱۳۶ و ۱۵۶ به کار رفته است.

۲-۹-۳. فریادزدن

ابتدایی‌ترین عکس‌العملی که از انسان در هنگام خشم، ترس یا درد سر می‌زند، فریادزدن است؛ این عمل در رمان‌های مورد بررسی نیز بروز داشته است: حمادی، پدر بزرگ جیهان که دوره مهندسی را در سوئیس گذرانده، در شهر خود یک کارگاه مجهز و مدرن راه انداخته است. در یکی از صحنه‌های رمان، دستگاه دست یکی از کارگران را قطع می‌کند که دیدن این امر سبب ایجاد ترس فراوان در وجود پدر بزرگ می‌شود. وی در قبال این ترس، شروع به فریادزدن می‌کند که دال بر ترس اوست و با کارکرد جانشینی در کلام راوی استفاده شده است: «وفي اليوم الذي قطعت فيه آلة يد عامل شارد أمامه لم یصمد. صرخ جدك مرعوباً من مشهد الدم المتدفق بغزارة، قبل أن یغمی علیه بجوار العامل المصاب» (العباسی، ۲۰۱۸: ۴۷) (ترجمه: روزی که یک ماشین، دست یک کارگر فراری را در مقابلش قطع کرد و او مقاومتی نکرد. پدر بزرگت قبل از اینکه در کنار کارگر بدبخت از هوش برود، با دیدن خون فراوان جوشان، با وحشت فریاد زد.)

فریبا علیپور نیز یکی از زندانی‌های سابق کمیته مشترک ضد خراب‌کاری رژیم ستم‌شاهی است که مشغول بازگویی خاطرات خویش برای ابراهیمی‌زاده - خبرنگاری که اصغر ضحاک خود را به نام او جا زده بود - است؛ وی در لابه‌لای خاطرات خود از زندانی شدن خود و اوضاع حاکم بر زندان سخن می‌گوید. جایی که وی به‌عنوان یک چپ‌گرا وارد زندان شد؛ اما در رویارویی با زنان با گرایش اسلامی، شیفته اخلاق زنی گردید که او را «حاج خانم» صدا می‌زدند. در درگیری پیش آمده بین چپ‌گرایان و مسلمانان

بر سر بیدارشدن برای سحری، لیدر چپ‌گرایان به حاج‌خانم توهین می‌کند که این امر سبب خشم فریبا می‌شود؛ چنان‌که بر سر لیدر فریاد می‌کشد که دال بر عصبانیت بودن او از این موقعیت است. نویسنده از این پیام در قالب کارکرد تکمیلی بهره برده است: «سرش فریاد کشیدم: همین کار شما ارتجاعی است خانم.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

۲-۹-۴. گریه کردن

اشک از عواطف و انفعالات متعددی تعبیر می‌کند که تمامی انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها از آن بهره می‌گیرند. (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۴) گریستن از کارکردهای چهره است؛ «اشک‌ها دارای الگوهای منحصر به فردی از ارتباط هستند. زبان‌شناسان فرهنگی، گریستن را نوعی سیستم فرازبان می‌دانند که آگاهانه یا به‌طور ناخودآگاه در حمایت از انفعال کلامی بروز می‌کند.» (کاتلر، ۱۳۸۰: ۴۸۰)

اگرچه حبیب در ابتدای زندگی و پس از طلاق همسرش، جیهان را رها ساخت و به آمریکا رفت؛ اما دورادور به او محبت داشت و هدایایی برای وی می‌فرستاد. هرگاه نیز که به تونس سفر می‌کرد به دیدن دخترش می‌آمد. شنیدن خبر مرگ وی برای دخترش بسیار سخت بود و سبب ناراحتی او شد که در قالب اشک ریختن و با کارکرد جانشینی رخ نمایانده است: «كانت السیاط المائیة تلطم المبانی والأشجار والأرصفة والمارة المسرعین باتجاه مشاغلهم بینما تتساب دموعي راسمة خطین أسودین تعرّجا ببطء علی وجنتی.» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۲) (ترجمه: شلاق‌های آب به ساختمان‌ها، درختان و پیاده‌روها سیلی می‌زد و عابران پیاده با سرعت به سمت کارهایشان حرکت می‌کردند؛ در حالی که اشک‌های من جاری شد و دو خط سیاه را به آرامی ترسیم می‌کرد که به سمت گونه‌های من کج می‌شد.) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۱۸ تکرار شده است.

محسن و میرزادو تن از مبارزان انقلابی بودند که به‌صورت مسلحانه در مقابل رژیم ایستادگی می‌کردند. در یکی از صحنه‌های رمان، هر دو پس از دستگیری، در یک اتاق از جانب شکنجه‌گران مورد شکنجه قرار گرفتند. محسن از اینکه شاهد شکنجه سخت دوستش است، بسیار اندوهگین و ناراحت می‌شود. این نشانه دارای کارکرد جانشینی است: «نگاه کردم به محسن که داشت گریه می‌کرد.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۴۴) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۶۸، ۷۵، ۷۵ و ۱۸۴ به کار رفته است.

۲-۹-۵. سکوت

سکوت در برابر کلام یا عکس‌العمل طرف مقابل یکی دیگر از زیرشاخه‌های پیرازبان است. «سکوت در ارتباطات، در فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند نماینده مفاهیم مختلفی چون بی‌احساسی، گم‌گشتگی، سرکوب‌شدگی، ابراز قهر، در فکر بودن، افسردگی، موافقت، عدم موافقت، شرمگین بودن، ادای احترام و...»

باشد.» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۵۶)

در لحظات پیش از قرائت وصیت‌نامه حبیب به وسیله وکیل، جهان و صوفیا در حالی که روبه‌روی هم نشسته بودند، در سکوت به تبادل نظر می‌پرداختند که نشانه عدم اطلاع از موقعیت و نارضایتی از آن موقعیت است که با کارکرد جانشینی در رمان نمود یافته است: «کانت عمّتی جالسة علی کرسیّ بالقرب من النافذة بینما جلستُ أنا و صوفیا متواجہین امام مکتب الخامی تبادل النظرات بصمت» (العباسی، ۲۰۱۸: ۹) (ترجمه: عمه‌ام نزدیک پنجره نشسته بود؛ در حالی که من و صوفیا روبه‌روی هم در مقابل میز وکیل نشسته بودیم و با سکوت به هم نگاه می‌کردیم).

جهان پس از حضور در منزل عمه‌اش، به اتاق خواب او می‌رود و مشغول ورق‌زدن آلبوم خانوادگی‌شان می‌شود. حضور عمه در اتاق و سکوت او در مقابل وی، دال بر شگفتی از وضعیتی است که جهان در آن قرار دارد. العباسی از این پیام در قالب کارکرد جانشینی بهره برده است: «سکتت عمّتی عندما انتبهت لصمّتی و حدقت لی، ما أشعرنی بأني مکشوفة أمامها» (همان: ۳۷) (ترجمه: عمه‌ام سکوت کرد زمانی که متوجه سکوت من شد و به من خیره شد، من احساس نکردم که در مقابل او عریان هستم).

وثوق در دیدار با اصغر ضحاک، سعی دارد این باور را به او بقولاند که عمر انقلاب اسلامی اندک است و به زودی با یک کودتای نظامی از جانب آمریکا، رژیم شاهنشاهی بر خواهد گشت. این گفته‌ها سبب ایجاد سکوت مابین آن دو می‌شود که نشانه تفکر و تأمل است و با کارکرد جانشینی به کار گرفته شده است: «لحظة ای سکوت بین ما سایه انداخت.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۷) نویسنده این نشانه را با مضمون و کارکرد یکسان در صفحات ۱۸، ۱۲۱، ۱۵۵ و ۱۵۷ به کار برده است.

۲-۹-۶. سایر حالت‌های پیرازبان

پس از اینکه در سال ۱۹۸۷ م. زین العابدین بن علی با کودتا جانشین حبیب بورقبیه شد، در صدا و سیمای این کشور وضعیت اضطراری اعلان شد. جهان که راوی این بخش از رمان است، اعلام کرد که لرزشی خفیف را در صدای مجری زن برنامه تشخیص داده است که دال بر ترسی است که بر او مستولی گشته است. این پیام، کارکرد جانشینی دارد: «مبیزت رعشة خفيفة في صوت المذیعة وهي تعلم المستمعين بخبر الإعلان عن حالة الطوارئ في البلاد، مؤكدة ضرورة الالتزام بساعات حظر التجوال» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۴) (ترجمه: هنگامی که وی اخبار را در مورد اعلام وضعیت اضطراری در کشور به شنوندگان اعلام می‌کرد، با تأکید بر لزوم پایبندی به ساعت‌های منع رفت‌وآمد، صدای لرزش‌اندکی را در صدای گوینده زن تشخیص دادم).

زمانی که دو مأمور ساواک جهت دستگیری آقا کاظم به مغازه او مراجعه کردند، شاگرد وی، سید

محسن ملکی، صدای پیچ‌به‌پیچ آن‌ها را شنید. پایین آوردن تَن صدا که در اصطلاح پیچ‌به‌پیچ خوانده می‌شود، دال بر پنهانی بودن امری است که گوینده فقط برای یک یا چند نفر خاص بیان می‌کند و آن را از سایرین مخفی می‌سازد. حسن‌بیگی از این ابزار در قالب کارکرد جانشینی بهره‌جسته است: «صدای پیچ‌پیشان را شنیدم» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۳۵)

رضا توسلی که به همراه محمد، شاگرد مغازه یکی از بازاریان مبارز به نام آقای عمرانزاده هستند، متوجه می‌شود که محمد به‌دوراز چشم صاحب مغازه، فعالیت‌های مخفی نامعلومی را در مغازه انجام می‌دهد. زمانی که رضا گزارش این کار را به آقای عمرانزاده می‌دهد، او از این کار رضا عصبانی می‌شود. در این بخش، لرزش صدای وی دال بر ترس و اضطراب حاکم بر اوست. این پیام در قالب کارکرد تکمیلی به کار رفته است: «با صدایی که می‌لرزید گفتم: ببخشید حاج آقا. دیگر تکرار نمی‌کنم» (همان: ۱۱۷)

جدول ۷. حالت‌های پیرایان در هر دو رمان

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
العباسی: ۴۱	تکمیلی	آگاهی‌دادن به یک امر	فریادزدن
العباسی: ۹۶	جانشینی	عصبانیت	فریادزدن
العباسی: ۱۲۰	جانشینی	سرمستی	فریادزدن
العباسی: ۷۸	جانشینی	یادآوری خاطرات گذشته	سکوت
حسن‌بیگی: ۱۴	جانشینی	شادی	خندیدن
حسن‌بیگی: ۴۹	جانشینی	اوضاع دلخواه	خندیدن
حسن‌بیگی: ۱۸۷	جانشینی	ترس	فریادزدن
حسن‌بیگی: ۴۶، ۵۴ و ۱۶۲	جانشینی	درد	فریادزدن
حسن‌بیگی: ۱۱۷	تکمیلی	مخفی ساختن امری	پایین آوردن تَن صدا

۳. نتیجه‌گیری

ایناس العباسی و ابراهیم حسن‌بیگی در رمان‌های خویش از حوزه‌های معنایی مرتبط با درون‌مایه رمان بهره برده‌اند. عصبانیت، اضطراب و ترس، ناراحتی، درد، تعجب، تمسخر و تحقیر از بارزترین مضامین به کار گرفته شده در رمان شب ناسور هستند. در رمان منزل بورقیه نیز عصبانیت، ترس و اضطراب، ناراحتی، بی‌تفاوتی، تفکر و هیجان و شادی موضوعات غالب هستند. هر دو نویسنده از ابزارهای مختلف برای بیان این مضامین استفاده کرده‌اند. در این دو رمان در مجموع ۱۷۳ نشانه غیر کلامی مربوط به زبان بدن، به وسیله نویسندگان به کار گرفته شده که ۱۲۰ مورد آن مربوط به حسن‌بیگی و ۵۳ مورد متعلق به العباسی است. این نشانه‌ها به تفکیک بسامد در جدول زیر شرح داده شده‌اند:

حالات	حسن بیگی	العباسی	حالت	حسن بیگی	العباسی
پیرازبان	۳۲	۱۲	چشم	۱۴	۶
نگاه کردن	۲۲	۳	لامسه	۷	۷
چهره	۱۹	۷	دست	۳	۹
بدن	۱۸	۶	-	-	-

نتایج بیانگر این است که در رمان‌های مورد بحث، حالت‌های پیرازبان و پس از آن حالات چهره و نگاه کردن بیشترین نقش را در انتقال معانی نشانه‌های غیر کلامی ایفا کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که حسن بیگی برای انتقال پیام خویش، بیشترین بهره را از عناصر پیرازبان و کمترین بهره را از ابزار دست برده است. العباسی نیز در رمان خویش، بیشتر حالت‌های پیرازبان را به کار گرفته و کمتر به حالت‌های نگاه کردن توجه نشان داده است.

هر دو نویسنده برای شخصیت‌پردازی شخصیت‌های اصلی و فرعی رمان خویش از عناصر غیر کلامی بهره برده‌اند؛ العباسی با استفاده از افعالی مانند اشک ریختن یا ضربه زدن با مشت به دیوار، ناراحتی جیهان از مرگ پدر را به تصویر کشیده و در کنار آن با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند سیگار و لرزیدن دست، اضطراب و ترس حاکم بر شخصیت صوفیا را به نمایش گذاشته است. شخصیت عمه نیز در این رمان با استفاده از عناصری مانند خنده و لمس کردن جیهان به نشانه محبت و علاقه، شخصیتی مهربان و دلسوز نشان داده شده است. در سوی دیگر، حسن بیگی نیز سعی کرده است با استفاده از حالات مختلف پیرازبان و نوع نگاه کردن شخصیت ظالم و ستم پیشه اصغر ضحاک را به مخاطب خویش نشان دهد. داشتن ریش و تسیح شاه مقصود یکی از ابزارهای او برای نشان دادن شخصیت‌های اسلامی و سیگار کشیدن و بوی مشروب، نشانه‌ای برای جلادان ساواک است. چشم‌های زیبا و داشتن چادر یکی دیگر از ابزارهای حسن بیگی برای توصیف شخصیت فریبا علیپور بوده است. ^۱مال جامع علوم انسانی

حاصل پژوهش نشان می‌دهد کارکرد جانشینی ۱۳۴ بار و تکمیلی ۴۰ بار به کار رفته است؛ البته این امر طبیعی است؛ زیرا کارکرد جانشینی به‌طور معمول در بسیاری از پیام‌ها، جایگزینی مناسب برای بیان پیام و انتقال آن به مخاطب است. سایر کارکردها نیز در هر دو رمان بازتاب خاصی نداشته‌اند.

کارکرد	حسن بیگی	العباسی
جانشینی	۸۹	۳۱
تکمیلی	۴۴	۹

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) ایناس العباسی، نویسنده و شاعر و مترجم تونسی است که در سال ۱۹۸۲ در تونس زاده شده است. تاکنون آثار زیر در زمینه

شعر و رمان از وی به چاپ رسیده است: *أسرار الريح* (۲۰۰۴)، *أرشيف الأعمى* (۲۰۰۷)، *حکایات شهرزاد الکویتیة* (۲۰۰۹)، *هشاشة* (۲۰۱۳)، *شہقہ کحل* (۲۰۱۵)، *اشکل* (۲۰۱۶)، *منزل بورقیة* (۲۰۱۸)؛ همچنین برخی آثار نیز در زمینه ترجمه از وی چاپ شده است: *روا نهر صغیر* از رمان نویس ویتامی کیم توی (از فرانسه)، *صرخه صامتة* از آنجلا مارسونز (۲۰۱۶)، *شجرتي شجرة البرتقال الرائعة* از ژوزه مائورو ده واسکونسلوس (۲۰۱۷) (سایت الآداب، ۲۰۲۲).

(۲) ابراهیم حسن بیگی به سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای شهرستان گرگان متولد شد. سفر به کردستان در سال ۱۳۶۴، سر آغاز حرکت نوینی برای این نویسنده می‌شود. حاصل این سفر، دریافت حس و حال‌ها و سوژه‌های داستانی خوبی برای وی می‌شود. بعدها این سوژه دستمایه بیشتر داستانهای کوتاه وی قرار می‌گیرد. حسن بیگی در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه می‌شود و در رشته زبان و ادبیات فارسی (کارشناسی) به ادامه تحصیل می‌پردازد. وی در سال ۱۳۶۷ به دفتر انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش منتقل می‌گردد تا به عنوان کارشناس بخش داستان انتشارات «مدرسه» مشغول به کار شود. گفتنی است وی تا به حال در مسابقات و جشنواره‌های متعددی شرکت کرده و موفق به کسب جوایزی هم شده است. کتاب «ریشه در اعماق» او در طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ به عنوان کتاب برگزیده ۲۰ سال داستان‌نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شده و جوایز متعددی کسب کرده است (سایت سوره مهر با تلخیص، ۱۴۰۱).

منابع

- احدیان، محمد (۱۳۷۴). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*. چاپ دوازدهم. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- آذری، غلامرضا؛ نیان، فاطمه (۱۳۹۰). تحلیل محتوای ارتباطات غیر کلامی شخصیت‌های آثار برگزیده سیمین دانشور. *فرهنگ ارتباطات*، ۱ (۲)، ۱۰۳-۱۴۴.
- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸). *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*. ترجمه مهناز حیدری. تهران: مهتاب.
- اسمیت، آلفرد. جی. (۱۳۸۱). *ارتباطات و فرهنگ*. ترجمه اکرم هادی‌زاده و همکاران. جلد ۲. تهران: سمت.
- باوان‌پوری، مسعود؛ غیبی، عبدالاحد؛ حاجی‌زاده، مهین؛ پروینی، خلیل (۱۳۹۹). *الاتصال غیر اللفظی في رواية موت صغیر محمد حسن علوان دراسة سيميولوجية*. *مبحث في اللغة العربية*، ۱۲ (۲۳)، ۱۰۹-۱۲۴.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶). *ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی*. *زبان و زبان‌شناسی*، ۳ (۶)، ۱۳-۳۴.
- پیس، آلن؛ پیس، باربارا (۱۳۸۷). *کتاب جامع ارتباطات غیر کلامی (زبان بدن)*. ترجمه فربرز باغبان. مشهد: پژوهش توس.
- حسام‌زاده، منصور همایون (۱۳۹۱). *زبان بدن، بایدها و نبایدهای زبان بدن*. چاپ سوم. تهران: پورنگ.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۷). *شب ناسور*. چاپ دوم. تهران: موزه عبرت ایران.
- خلاف، جلول (۲۰۱۹). *فنوات الاتصال غیر اللفظی في القرآن الکریم دلالاته وتأثيره*. *مجلة المعيار*، ۲۳ (۴۵)، ۲۱۰-۲۳۷.
- ریچموند ویرجینیا پی؛ مک کروسیکی، جیمز سی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیر کلامی در روابط میان فردی (درس‌نامه ارتباطات غیر کلامی)*. ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیلایا عبداله‌پور. چاپ دوم. تهران: دانژه.
- سالاری فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ موسوی اصل، سید مهدی؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد (هیئت مؤلفان)

(۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

سامووار، لاری؛ پورتر، ریچارد، استفانی، لیزا (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ‌ها. ترجمه غلامرضا کیانی و اکبر میرحسینی. تهران: باز.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: قصه.

العباسی، ایناس (۲۰۱۸). منزل بورقبیه. بیروت: دار الساقی.

علیپور ملامباشی، یاور (۱۳۹۸). وبلاگ ارتباطات اجتماعی. آخرین بازدید ۱۳۹۹/۰۸/۰۲. <http://ertebatemosbat.blogfa.com/post/16>

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). ارتباطات انسانی (مبانی). تهران: خدمات فرهنگی رسا.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۵). ارتباطات غیر کلامی - هنر استفاده از حرکات و آواها. میبد: دانشگاه آزاد اسلامی. کاتلر، جفری (۱۳۸۰). زبان اشک‌ها (نگاهی روان‌شناختی به گریستن). ترجمه طاهره جواهرساز. تهران: جوانه رشد.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۰). الگوی نمادین و غیر کلامی در تعلیم و تربیت نامریی. تهران: منادی تربیت.

لطفی، علی (۱۳۸۹). قرآن و حدیث: چهره و ارتباط غیر کلامی در آموزه‌های قرآنی. مجله مشکوة. (۱۰۹)، ۸-۲۸.

لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی. تهران: جنگل.

محمسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵). ارتباط‌شناسی؛ میان فردی، گروهی، جمعی. تهران: سروش.

ویکر، رابرت (۱۳۸۸). چگونه دیگران را متقاعد کنیم؟ با گفتن و نوشتن. ترجمه مژگان قشقایی پور. چاپ دوم. تهران: افراز.

یول، جورج (۱۳۷۸). بررسی زبان. ترجمه محمود نورمحمدی. تهران: راهنما.

References

- Ahadian, M. (1995). *Introduction of educational technology*. 12th edition Tehran: Boshra publishing and advertising (In Persian).
- Al-Abbasi, I. (2018). *Bourguiba's house*. Beirut: Dar ul-Saqi (In Arabic).
- Alipour Molabashi, Y. (2018). *Social communication blog*. Last visit 02/08/2019. <http://ertebatemosbat.blogfa.com/post/16> (In Persian).
- Argyle, M. (1999). *Bodily Communication*. Translated by Mahnaz Haydari. Tehran: Mahtab (In Persian).
- Azari, Gh. & Nabiyani, F. (2010). Content Analysis of Non-Verbal Communication of Characters of Selected Works of Simin Daneshvar. *Culture of Communication*, 1 (2), 103-144 (In Persian).
- Bavanpouri, M., Ghaibi, A., Hajizadeh, M. & Parvini, Kh. (2019). A Study of the Semiotics of Non-Verbal Communication in the Novel Mawton Saqiron by Mohammad Hasan Alvan. *Researches in Arabic Language*, 12 (23), 109-124 (In Arabic).
- Farhangi, A. A. (1995). *Human communication (basics)*. Tehran: Rasa Cultural Services (In Persian).
- Farhangi, A. A. (1996). *Non-verbal communication - the art of using gestures and sounds*.

- Maybod: Islamic Azad University (In Persian).
- Hasanbaigi, I. (2017). *Shab-e Nasour*. second edition. Tehran: Ebrat Museum of Iran (In Persian).
- Hossamzadeh, M. H. (2011). *Body language, dos and don'ts of body language*. Third edition. Tehran: Pourang (In Persian).
- Karimi, A. (2010). *Symbolic and non-verbal model in invisible education*. Tehran: Monadi-e Tarbiat (In Persian).
- Khellaf, D. (2019). Non - verbal communication channels in the Holy Quran Significance and impact. . *Al-Meayar*. 23 (45), 210-237 (In Arabic).
- Korte, B. (1997). *Body Language in Literature*. Canadian Cataloguing in Publication Data.
- Kottler, J. A (2001). *The Language of Tears*. Translated by Tahereh Javahersaz. Tehran: Javaneh Roshd (In Persian).
- Litte John, S. W. (2014). *Theories of human communication*. Translated by Seyed Morteza Nurbakhsh and Seyed Akbar Mirhosaini. Tehran: Jungle (In Persian).
- Lotfi, A. (1389). Quran and Hadith: face and non-verbal communication in Quranic teachings. *Mishkat magazine*. (109), 8-28 (In Persian).
- Mohsenianrad, M. (2015). *communication; Interpersonal, group, collective*. Tehran: Soroush (In Persian).
- Pahlavannejad, M. R. (2007). Non-verbal Behaviors and the Semiotics of Body-Gesture. *Language and Linguistics*, 3 (6), 13-34 (In Persian).
- Pease, A. & Pease, B. (2006). *The definitive book of body Language*. Translated by Fariborz Baghban. Mashhad: Tos Research (In Persian).
- Richmond Virginia P. A. & McCroskey, J. C. (2008). *Nonverbal Behavior in Interpersonal Relations*. Translated by Fatemeh Sadat Mousavi and Zhila Abdolapour. second edition. Tehran: Danjah (In Persian).
- Salari Far, M. R., Azarbajjani, M., Mousavi Asl, S. M., Abbasi, A. & Kaviani, M. (2003). *Social psychology with an attitude towards Islamic sources*. Tehran: Samt (In Persian).
- Samovar, Larry A., Porter, R. E. & Stefani, L. A (2000). *Communication between cultures*. Translated by Gholamreza Kiani and Akbar Mirhosaini. Tehran: Baz (In Persian).
- Smith, A. G. (2002). *Communication and culture, readings in the codes of human interaction*. Translated by Akram Hadizadeh Et al. Tehran: Samt (In Persian).
- Sojoodi, F. (2012). *Applied semiotics*. Tehran: Qessa (In Persian).
- Vicar, R. (2009). *How to convince others? By speaking and writing*. Translated by Mozghan Qashqaipour. second edition. Tehran: Afraz (In Persian).
- Yule, G. (2008). *The study of language*. Translated by Mahmoud Noormohammadi. Tehran: Rahnama (In Persian).